**ابعاد جهانی رسالت حسینی و جایگاه خاص آن حضرت در نظام تکوین و تشریع**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم

فرا رسیدن ایام حزن و اندوه حسینی را در ابتدا به مقام بلندمرتبه و پایدار صاحب ولایت کبری و امامت عظمای الهی، حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، و سپس به شما حاضران در این مراسم و تمام مؤمنانی که در هر گوشه ای از عالم صدای من به آنان می رسد، تعزیت عرض می کنم.

**خطبه‌ های عاشورایی؛ میراث جهانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام**

حضرت سیدالشهدا علیه السلام هنگامی که در ماه رجب از مدینه منوره عزم سفر فرمودند و به سوی مکه مکرمه رهسپار شدند، سپس از آنجا به کربلای معلی عزیمت نمودند، در این مسیر، خطبه ‌ها و بیانات متعددی ایراد فرمودند، از جمله این خطبه‌ ها، سخنرانی حضرت در صبح روز عاشورا، پیش از آغاز جنگ بود.

در آن لحظات پر التهاب، حضرت سیدالشهدا علیه السلام مرکب خویش را طلبیدند، بر آن سوار شدند و سپس با صدای بلند و رسا ندا در دادند، به گونه ‌ای که تمام حاضران در میدان، صدای ایشان را بشنوند. شمار لشکر دشمن، براساس حداقل روایات، سی هزار نفر ذکر شده است.

حضرت علیه السلام فرمودند: «أَيُّهَا اَلنَّاسُ اِسْمَعُوا قَوْلِي وَ لاَ تَعْجَلُوا حَتَّى أَعِظَكُمْ بِمَا يَحِقُّ لَكُمْ عَلَيَّ وَ حَتَّى أَعْذِرَ عَلَيْكُمْ[[1]](#footnote-1)؛ اى مردم، گفتار مرا بشنويد و شتاب نكنيد تا شما را بدان چه حق شما بر من است پند دهم، و عذر خود را بر شما آشكار كنم».

**خطابه‌ ای جهانی؛ مخاطب کیست؟**

این سخنرانی مفصل، پیش از آن بود که از اصحاب یا بنی ‌هاشم کسی در میدان جنگ به شهادت برسد. آغاز آن با خطاب "ایها الناس" بود؛ واژه ‌ای بس ژرف که دلالت دارد بر عموم بشر. این فرمایشات الهی حضرت سیدالشهدا علیه السلام نه تنها مختص دشمنان سی‌ هزار نفره آن روز بود، بلکه مخاطب آن، تمامی آحاد انسان‌ ها در همه‌ اعصارند.

اکنون که قریب به چهارده قرن از آن فاجعه بزرگ می ‌گذرد، آیا این بیانات نورانی به گوش تمام بشر رسیده است؟ جمعیت امروز جهان را بیش از هشت میلیارد نفر برآورد می‌ کنند. آیا آن ‌ها این سخن حضرت سیدالشهدا علیه السلام را شنیده ‌اند؟ پاسخ روشن است؛ هنوز نرسیده.

**مسئولیت رساندن پیام؛ بر دوش کیست؟**

حال سؤال اینجاست که چه کسی باید این پیام جهانی را به آگاهی جهانیان برساند؟ آیا دشمنان، یا یاران و دوستان حضرت؟
این مسئولیت، که رساندن کلمات نورانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام به جهانیان است، واجبی است مطلق و در زمان وقوع حادثه عاشورا، هنگامی که جز حضرت کسی باقی نمانده بود، این وجوب عینی بود. و اکنون، با گذشت قرن‌ ها، همچنان این تکلیف پابرجاست و وجوب آن، به قوت خود باقی است.

این واجب از نوع واجب کفایی است، یعنی اگر عده ‌ای به آن قیام کنند، از دیگران ساقط می ‌شود، و اگر نه، همگان در ترک آن مؤاخذه خواهند شد؛ تا آن هنگام که این پیام الهی به سراسر گیتی برسد و به تحقق آیه شریفه «فَمَن شَاءَ فَلْیُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْیَكْفُر[[2]](#footnote-2)؛ هرکه بخواهد، ایمان بیاورد و هرکه بخواهد، کفر ورزد» نائل آید.

**مسئولیت جهانی؛ وجوب رساندن پیام عاشورا**

اکنون این پرسش در میان است که مقدمات تحقق این وظیفه چیست؟ و این وجوب بر دوش چه کسانی نهاده شده است؟ پاسخ روشن و بی‌تردید است: این مسئولیت، برعهده همگان است؛ بر مرد و زن، بر عالم و جاهل، بر کاسب و کارمند، بر کارگر و کارفرما، بر اهل بازار و اهل محراب، بر روحانیان و دانشگاهیان، بر همه و همه. هرکه بهره بیشتری از قدرت دارد، چه قدرت بیان، چه قدرت قلم، چه توان مالی یا مدیریتی، سهم او در انجام این وظیفه بیشتر است، زیراکه مقدمات وجودی این رسالت، همانند خودِ واجب، عقلاً واجب ‌اند، چراکه این رساندن، واجب مطلق است، و مقدمات تحقق واجب مطلق، نیز به حکم عقل، واجب‌ اند.

**از کفایی تا عینی؛ وقتی مسئولیت بی ‌پاسخ ماند**

رساندن فرمایشات حضرت سیدالشهدا علیه السلام به جهانیان، امروز واجبی کفایی است، اما از آنجا که این واجب تاکنون ادا نشده و این پیام قدسی به گوش جهانیان نرسیده، من فیه الکفایه نیز تحقق نیافته است. و بنابراین، واجب کفایی تبدیل به واجب عینی گشته است.

این همان خطابی است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام با تعبیر «ایها الناس» چندین مرتبه، در مواضع و سخنرانی ‌های گوناگون، آن را تکرار فرموده‌ اند. هرکه خواهان مطالعه تفصیلی این بیانات باشد، می‌تواند به منابعی چون بحارالأنوار، عوالم و دیگر کتب مفصل رجوع نماید.

**حق شنیدن حقیقت؛ حتی برای دشمنان**

اما مطلب دیگر نکته‌ ای است عمیق ‌تر و تأمل ‌برانگیزتر. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آن لحظات پیش از شهادت، با دشمنانی سخن می‌ گویند که به قصد کشتن ایشان آمده‌ اند و حضرت آگاه‌ اند که اینان، ایشان را خواهند کشت و چنین نیز شد.

با این حال، آن حضرت به دشمنان خطاب فرمودند، در حالی که این خطاب در حقیقت متوجه همه بشر است و تصریح فرمودند این حق شماست بر من، که آنچه را باید بدانید، برایتان بیان کنم.

حال اگر کسانی که در مقام قتل آن حضرت بودند، حق شنیدن کلام حقیقت بر گردن امام حسین علیه السلام دارند، آیا دیگران، که از دشمنی به دورند، حقی بر ما ندارند؟ بی ‌تردید، بر همه این حق وجود دارد.

**سه محور اساسی دعوت؛ عقاید، احکام، اخلاق**

هر جاهل حقی بر عالِم دارد که او را از تاریکی جهل برهاند. این بیداربخشی، در سه محور اساسی تجلی می ‌یابد:

۱. اصول عقاید: توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد.
۲. احکام الزامیه که گستره‌ ای عظیم دارند. مرحوم شهید اول رضوان الله علیه تنها در باب نماز کتابی نگاشت به نام «الألفیه» که هزار حکم الزامی نماز را در آن ذکر نمود؛ از مقدمات، شروط، اجزا، موانع و قواطع. شهید ثانی و دیگران نیز بر آن شروحی نگاشته‌ اند. اگر نماز این ‌گونه است، پس احکام روزه، حج، وضو، غسل، تیمم، معاملات، عقود و ایقاعات چقدر است؟

تعلم این احکام بر هرکس که در معرض ابتلای عملی است واجب است، و تعلیم آن بر دیگران نیز، اگر در معرض ابتلا باشند، واجب خواهد بود.

۳. اخلاق اهل بیت علیهم السلام. در همین مسیر از مدینه تا مکه، از مکه تا کربلا، از شب عاشورا تا ظهر آن روز، حضرت سیدالشهدا علیه السلام در بیش از سی سخنرانی که از ایشان نقل شده، مکرراً هم به عقاید پرداخته ‌اند، هم به احکام الزامیه، و هم به اخلاق ناب اهل بیت علیهم السلام.

**امروز؛ واجب عینی فراموش ‌شده**

این مسئولیت امروز از دایره کفایی فراتر رفته و در شمار واجبات عینی قرار گرفته است، چراکه من فیه الکفایه تحقق نیافته. این وظیفه در کنار دیگر واجبات عینی، در صورت تزاحم، باید با دقت سنجیده شود که کدام‌ یک مقدمه دیگری است و آن‌ که مقدمه است، اولویت دارد.

**عقاید خمسه**

نسبت به اصول عقاید، اگر تنها به آثار علامه بزرگ، مجلسی رضوان الله علیه در کتاب شریف بحارالأنوار نظر کنیم، روشن می ‌شود که از جلد سوم تا جلد پنجاه و سوم، یعنی در پنجاه و یک جلد پیاپی، سراسر به بیان عقاید خمسه اختصاص یافته است؛ همان عقاید پنج‌ گانه: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد.

این پنجاه و یک جلد مجموعه ‌ای است از بیش از پنجاه هزار حدیث شریف که در گستره‌ ای عظیم، فرمایشات معصومان علیهم السلام را در باب اصول دین به تصویر کشیده ‌اند.

این معارف والا، نه در حد استحباب بلکه به‌ عنوان یک وجوب کفایی، باید به جهانیان برسد و باید به گوش بشر طنین ‌اندازد.

و چون امروز من فیه الکفایه موجود نیست و این پیام‌ ها هنوز به دنیا نرسیده است، این وجوب کفایی به وجوب عینی مبدّل گشته است. بنابراین، برعهده همه ماست که این وظیفه را ادا کنیم.

**گنجینه احکام و اخلاق اهل بیت علیهم السلام؛**

در باب احکام، که عالمان دین به ‌گونه ‌ای مستقیم یا غیرمستقیم با آن‌ ها مأنوس ‌اند، کتاب وسائل الشیعه چونان خزانه ‌ای بی ‌پایان می ‌درخشد؛ این کتاب شریف، حاوی چهل هزار حدیث است.

بخش عظیمی از این مجموعه به احکام اختصاص دارد. هرچند اندکی از آن به اخلاق و بخشی دیگر به عقاید می ‌پردازد، اما لااقل ده ‌هزار حدیث آن، صریحاً به احکام الزامیه اختصاص دارد؛ چه آن احکام الزامی به عنوان اولی باشند، و چه به عنوان ثانوی.

و اما در باب اخلاق اهل بیت علیهم السلام، پیروی و اقتدا نسبت به الزامات آن واجب است و نسبت به غیرالزامات، مستحبات، و حتی امور لااقتضائی، اقتدا و تخلق به اخلاق محمدی و علوی و حسینی، امری است مطلوب و مرجّح.

این مجموعه گران‌ سنگ از عقاید، احکام و اخلاق، حق واجب جاهلان عالم است بر دوش عالمان؛ حق آنانی که در تاریکی جهل گرفتارند، بر گردن آنان که از نور علم بهره‌ مندند.

**مسئولیتی بر گردن همه آگاهان**

این حق جهادی است در پهنه دنیا؛ رساندن عقاید به جاهلان، رساندن احکام الزامیه به آنان که از آن بی ‌خبرند، رساندن اخلاق اهل بیت علیهم السلام به مردمان گمراه‌ شده در هیاهوی دنیا.

این حقی است واجب بر گردن همگان، چه مرد و زن، چه جوان و پیر، چه حوزوی و دانشگاهی، و چه هر آن ‌که توانی در زبان، قلم، یا حتی ثروت دارد.

این همان است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام فرمودند: «بِمَا يَحِقُّ لَكُمْ عَلَيَّ».
زیرا آن روز، کسی جز امام حسین علیه السلام نبود تا این وظیفه را ادا کند؛ و اگر هم شهدای اهل بیت از بنی ‌هاشم یا سایر اصحاب علیهم السلام، کلامی یا عبارتی در کربلا فرموده‌ اند، بسیار اندک است.

عمده بیان حقیقت بر دوش خود حضرت بوده است؛ چه در این خطبه، و چه در سایر سخنرانی‌ های مکرر از مدینه تا مکه، از مکه تا کربلا، از شب عاشورا تا ظهر آن روز عظیم.

**کربلا، آسمانی ‌ترین سرزمین زمین**

اما بخش دوم سخنانم مربوط می شود به سرزمین کربلا و جایگاه آن. یکی از نکات عظیم، در عظمت کربلا، روایتی است که از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده، آنجا که فرمودند: «إِنَّهَا خَيْرُ بُقْعَةٍ عَرَجَ رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهَا وَقْتَ غَيْبَتِهِ[[3]](#footnote-3)؛ کربلا بهترین سرزمینی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله از آن جا به آسمان عروج فرمودند، و این در زمانی بود که از دیدگان مردم غایب بودند».

**معراج سوم؛ عروجی از کربلا در ایام مدینه**

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله چند معراج داشته ‌اند. یکی از آن ‌ها همان است که قرآن کریم به آن تصریح کرده، فرموده است: «سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى[[4]](#footnote-4)؛ پاک و منزه است آن (خدايی) كه بنده اش را شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برد».
در روایات دارد که جبرئیل از خانه ام‌ هانی آمد خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله، و حضرت را با خود برد تا مسجد اقصی، و از آن جا معراج آسمانی انجام شد.

در برخی روایات، مسجد کوفه نیز به عنوان مبدأ یکی از معارج ذکر شده است، که آن هم احتمالا معراجی مستقل بوده است. اما در این روایت از حضرت صادق علیه السلام، معراجی دیگر از سرزمین کربلا ذکر شده است که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در حالی که در مدینه منوره بودند، برای انجام این معراج، به کربلا آمدند، و از آن جا به آسمان عروج فرمودند.

**پنج روز جایگزینی امیرمؤمنان علیه السلام در مدینه**

در آن ایام، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، امیرمؤمنان علیه السلام را به جای خود در مدینه قرار دادند تا کارهایی که حضرت انجام می ‌دادند، ایشان انجام دهند. این غیبت، پنج روز به طول انجامید و در تمام این پنج روز حضرت امیر علیه السلام در مدینه مسئولیت جایگاه رسول خدا را به‌ عهده داشتند.

**تنها زمینی که به بهشت می ‌رود؛ زمین کربلا**

در روایت دیگری که در کامل الزیارات نقل شده و برخی روایات آن نیز در بحارالأنوار و دیگر مصادر آمده، چنین آمده است: «أَفْضَلَ أَرْضٍ فِي اَلْجَنَّةِ[[5]](#footnote-5)»، برترین زمینی که در بهشت خواهد بود، زمین کربلاست.

روایت می ‌فرماید در روز قیامت، زمانی که بهشت و جهنم از یکدیگر جدا می ‌شوند و اهل بهشت به سوی بهشت، و اهل جهنم به سوی جهنم سوق داده می‌ شوند، تنها قطعه ‌ای که از کره زمین به بهشت وارد می ‌شود، زمین کربلاست.

نه زمین مدینه، نه زمین کعبه، نه زمین نجف اشرف، و نه دیگر بقاع مقدسه، هیچ ‌کدام این امتیاز را ندارند که جزو بهشت شوند.

**رازی نهفته در کربلا**

با اینکه خود امام حسین علیه السلام روز عاشورا فرمودند: «چهار نفر از من افضل هستند: جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله، پدرم امیرمؤمنان علیه السلام، مادرم فاطمه زهرا سلام الله علیها، و برادرم حسن علیه السلام».

اما با این حال، زمین بقیع که مدفن برخی از این بزرگواران است، جزو بهشت نمی ‌شود.

زمین مدینه، که محل مدفن نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امام حسن مجتبی علیه السلام است، وارد بهشت نمی‌ گردد، زمین نجف اشرف که مأوای مرقد امیرمؤمنان علیه السلام است، وارد بهشت نمی ‌شود، و حتی آن زمینی که قبر مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها در آن قرار دارد، با وجود طهارت و عظمت، بهشت نمی ‌شود، اما زمین کربلا، به ‌رغم اینکه صاحبش در رتبه بعدی قرار دارد، چنان عظمتی دارد که کل آن وارد بهشت می‌ شود.

سید بحرالعلوم رضوان الله علیه این حقیقت را در قالب شعری آورده است و می ‌فرماید: «من حدیث کربلا الکعبة بان لکربلاء عُلُوُّ الرُتبُة»، یعنی: از حدیثی که درباره کربلا و کعبه رسیده، بلندی مقام کربلا بر کعبه روشن گردیده است.

**راز خلقت زمین؛ کربلا، اصل و ریشه آفرینش خاکی**

بدانید که کربلا تنها به خاطر امام حسین علیه السلام کربلا شد. عظمت این سرزمین به حدی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است خدای متعال پیش از آنکه بشر را بیافریند، و حتی پیش از آنکه خلقی را بیافریند، زمانی که زمین را گسترانید و از زیر کعبه پهن کرد، کعبه افتخار کرد و چنین پنداشت که اصل آفرینش زمین است.

در روایت آمده، کعبه خطاب به سایر بقاع گفت که من ریشه کل زمینم و از من بود که زمین گسترده شد.

اما در حدیثی نورانی، که در کامل الزیارات و سایر منابع آمده، خدای عزوجل به زمین کعبه خطاب فرمود: «اگر من نمی ‌خواستم زمین کربلا را بیافرینم، تو را نمی ‌آفریدم».

یعنی وجود زمین کعبه نیز به سبب کربلا بوده است. آفرینش زمین از زیر کعبه آغاز شد، زیرا در تقدیر الهی قرار بود که کربلا سرزمینی باشد که امام حسین علیه السلام در آن دفن گردد.

و از این ‌رو، خداوند تبارک و تعالی زمین کعبه را برگزید و خانه خویش را در آن قرار داد، تا آن بقعه مقدمه‌ ای باشد برای آفرینش زمینی که سرانجام پیکر خونین حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آن آرام خواهد گرفت.

**امام حسین علیه السلام؛ تجلی ‌گاه خصائص بی‌ بدیل الهی**

بدانید که باوجود آنکه جدّ بزرگوار امام حسین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه وآله، و پدر بزرگوارشان، امیرمؤمنان علیه السلام، و مادرشان، حضرت زهرا سلام الله علیها، و برادرشان، امام حسن مجتبی علیه السلام، همگی در مراتب قرب و فضل الهی از امام حسین علیه السلام افضلند، لیکن خدای تبارک و تعالی خصائصی را برای امام حسین علیه السلام قرار داده که نه برای آن چهار بزرگوار قرار داده است و نه حتی برای خودش.

در ادامه به برخی از این خصوصیات اشاره ای می شود.

**شفا در تربت مقدس امام حسین علیه السلام**

از جمله این خصائص آن است که در روایت وارد شده است: «الشفاء فی تربته[[6]](#footnote-6)؛ شفا در خاک اوست».

مریض اگر مقدار اندکی از تربت مطهر امام حسین علیه السلام را به نیت استشفا تناول کند، این عمل جایز است، مستحب است، و موجب شفا می ‌گردد. اما آیا از خاک کعبه چنین استفاده‌ ای جایز است؟ هرگز. اجماع تمام مسلمانان بر این است که خوردن خاک کعبه حرام است.
اگر کسی مریض بود و ذره ‌ای از خاک کعبه را برای استشفا برداشت و خورد، مرتکب فعل حرامی شده و بر اوست که استغفار کند.

همچنین، از خاک قبر مطهر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یا قبر امیرمؤمنان علیه السلام یا قبر امام حسن مجتبی علیه السلام یا قبر حضرت زهرا سلام الله علیها ـ که مکان دقیق آن هم در روایات مخفی دانسته شده و حتی در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ظاهر نخواهد شد تا روز قیامت ـ اگر کسی بخواهد برای استشفا خاکی بردارد و بخورد، این کار شرعاً حرام است.

اما خدای متعال شفا را در تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام قرار داده است، و نه در تربت هیچ ‌یک از این مقامات مقدس.

**استجابت دعا زیر قبه مطهر امام حسین علیه السلام**

دومین خصوصیت ممتاز آن حضرت، که بارها به آن اشاره شده، این است: « اَلْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ[[7]](#footnote-7)؛ دعا در زیر گنبد آن حضرت مستجاب است».

باید دانست، در روزی که این روایت صادر شد، اصلاً قبّه ‌ای در کربلا نبود. کربلا تنها یک قبر خاکی در دل صحرا بود؛ بدون اتاق و یا سایبانی. بعدها، پس از چند قرن، شیخ مفید رضوان الله علیه و دیگران گزارش کردند که در آن مکان، اتاقی چند متری بنا شد که بارها نیز مورد هجوم قرار گرفت و تخریب شد.

پس، مراد از «تحت قبته»، به تعبیر عربی، «فی کنف القبره الشریف» است، یعنی در جوار قبر شریف، در پیرامون آن، در هر مکان نزدیک به آن.

**آیا استجابت دعا در سایر مشاهد نیز چنین است؟**

در کعبه استجابت دعا وارد شده است، اما تعبیر تحت قبه در آن نیامده. درباره قبر پیامبر صلی الله علیه وآله نیز فضیلت دارد، اما نفرموده ‌اند استجابت حتمی دارد. و همینطور درباره قبر امیرمؤمنان علیه السلام و قبور سایر ائمه علیهم السلام نیز چنین تعبیر صریحی وارد نشده است.

تنها درباره امام حسین علیه السلام، این خصوصیت با این شدت و وضوح آمده که دعا در کنار قبر ایشان مستجاب است.

**عمل امام معصوم؛ گواهی بر این فضیلت عظمی**

در یکی از روایات معروف آمده است که امام هادی علیه السلام در سامرا مریض شدند.
آن حضرت، شخصی را فرا خواندند و فرمودند که از سامرا به کربلا برود و نزد قبر مطهر امام حسین علیه السلام برای ایشان دعا کند.

توجه کنید که فاصله سامرا تا کربلا، و سامرا تا نجف تفاوت چندانی ندارد اما حضرت امام هادی علیه السلام به آن مرد فرمودند که به کربلا رود و برای شفای آن حضرت دعا کند.

با آنکه تردیدی نیست که امیرمؤمنان علیه السلام افضل از امام حسین علیه السلام است، ولی امام معصوم علیه السلام به آن فرد نفرمودند برود و نزد قبر امام علی علیه السلام دعا کند، بلکه فرمودند نزد قبر امام حسین علیه السلام دعا کند.

و این گواهی استوار است بر برتری خاص امام حسین علیه السلام در باب استجابت دعا و خصائص بی ‌مانند الهی.

**فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه**

خدای عزوجل به وسیله حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر گرامی ‌مان صلی الله علیه وآله مردم را به انجام حج فراخوانده است؛ حجی که ازسوی خداوند با وجود شرایطی بر مردم واجب شده و فرموده است: «حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا[[8]](#footnote-8)؛ حج خانه (کعبه) بر کسی که استطاعت (توانایی) رفتن به سوی آن را دارد، واجب است».

روز عرفه روز دعا و استغفار است و خداوند برای آن روز، نظیری قرار داده است که نام آن را کربلا نهاده است، چنانکه زیارت امام حسین علیه السلام در این روز فضیلتی بی ‌نظیر دارد.
روایت است که خداوند در روز عرفه نگاه خود را ابتدا به زوّار امام حسین علیه السلام می ‌افکند و پیش از آنکه به زوّار عرفات عنایت کند، نظر لطف خود را به آنان می ‌تاباند.

امام حسین علیه السلام، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، و امیرمؤمنان علیه السلام، هریک زیارت‌ هایی مخصوص به خود دارند. مبعث و میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله مناسبت ‌های دیگری است، اما هیچکدام از این مناسبت ‌ها به اندازه زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه مورد توجه خاص الهی نیست.

هرگز ندیده و نشنیده ‌ام که خدای عزوجل پیش از آنکه به زوّار پیامبر صلی الله علیه وآله نظر رحمت و مرحمت کند، به زوّار امیرمؤمنان علیه السلام نظر فرماید، یا پیش از آنکه به زوّار امیرمؤمنان علیه السلام نظر افکند، به زوّار امام حسین علیه السلام نظر مرحمت کند.

این ‌ها خصائص ویژه ‌ای است که خداوند برای امام حسین علیه السلام قرار داده و برای آن چهار بزرگوار دیگر، که افضل از ایشان هستند، چنین فضیلتی مقرر نفرموده است.

**مظاهر آسمانی در شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام**

زمانی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام به فیض شهادت نائل آمدند، دو حادثه شگفت در آسمان رخ داد:
یکی امطرت السماء دماً، یعنی بارانی از خون، و دیگری امطرت السماء رما، یعنی بارانی از خاکستر[[9]](#footnote-9). از آسمان، به جای باران آب، خون می ‌بارید و خاکستر می ‌ریخت.

اما این خاکستر از کجاست؟ خاکستر متعلق به چوبی است که آتش زده شود و بسوزد، پس این خاکستر که از آسمان می ‌بارد، نشان‌ دهنده عظمت و شدت این شهادت است.

برای شهادت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله چنین امری ثبت نشده است؛ نه باران خون، نه باران خاکستر. برای شهادت امیرمؤمنان علیه السلام، گرچه تمام ارکان هدایت فرو ریخت، اما هیچ روایتی مبنی بر باران خون یا خاکستر از آسمان وجود ندارد. برای شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها با آن فاجعه عظیم نیز، چنین امری به ثبت نرسیده است. این خصیصه‌ ای است منحصر به حضرت سیدالشهدا علیه السلام.

**کره زمین از کربلا تا شام رنگ خون گرفت**

روایات نقل می ‌کنند وقتی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا به شهادت رسیدند، در کربلا، نجف، مدینه، مکه و حتی شام، هر سنگ و هر کلوخی را که از زمین برمی ‌داشتند، خون تازه‌ ای از آن می‌ جوشید.

آیا چنین چیزی برای شهادت پیامبر صلی الله علیه وآله ثبت شده است؟ خیر. برای شهادت امیرمؤمنان علیه السلام و برای شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و امام حسن مجتبی علیه السلام نیز چنین مطلبی نقل نشده است.

این ‌ها از خصائص ویژه امام حسین علیه السلام است که خداوند به ایشان عنایت فرموده است.

**خصائص ویژه ‌ای که خدای عزوجل برای امام حسین علیه السلام قرار داده است**

خدای عزوجل برای امام حسین علیه السلام فضائل و امتیازاتی قرار داده است که برای هیچ یک از دیگران، حتی آنانی که از نظر رتبه افضل هستند، قرار نداده است.

**زیارت اربعین؛ علامتی از ایمان راستین**

زیارت اربعین از علامات قطعی ایمان است. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، حتی یک زیارت اربعین ندارند، روایتی در این باره وجود ندارد. امیرمؤمنان علیه السلام نیز زیارت اربعین متعارف و مقید به روایتی ندارد، البته برخی بلاد شیعه گاهی اول ذی ‌القعده را به عنوان اربعین حضرت امیر علیه السلام گرامی می دارند که مورد اشکال نیست اما در متون معتبر شیعه رسم و روایتی در این زمینه وجود ندارد. برای حضرت زهرا سلام الله علیها و امام حسن مجتبی علیه السلام نیز زیارت اربعینی نقل نشده است.

اما برای امام حسین علیه السلام، نه تنها زیارت اربعین نخست پس از شهادت ایشان وجود دارد که همه ساله اهل بیت علیهم السلام و شیعیان به زیارت کربلا می ‌آیند، بلکه این زیارت تا روز قیامت ادامه دارد.
زیارت اربعین نشانه‌ ای از ایمان حقیقی است و کسی که این زیارت را انجام می ‌دهد، مؤمن است و این عمل نه تنها مستحب که از علامات ایمان محسوب می ‌شود.

**زیارت امام حسین علیه السلام در شب ‌های جمعه**

در یک سال قمری، پنجاه و دو شب جمعه وجود دارد و در سال شمسی گاهی پنجاه و سه یا پنجاه و چهار شب جمعه. روایات متعدد و متواتر از کتاب‌ های اصولی، مانند: کامل الزیارات نقل شده که خدای عزوجل هر شب جمعه به زیارت امام حسین علیه السلام می ‌آید: « والله يزوره في كل ليلة جمعة يهبط مع الملائكة إليه والأنبياء والأوصياء ومحمد أفضل الأنبياء ونحن أفضل الأوصياء[[10]](#footnote-10)؛ خداوند در هر شب جمعه او را زیارت می کند. خداوند همراه با ملائکه و انبیا و اوصیا به سوی او می آیند و محمد صلی الله علیه وآله برترین اوصیا و ما برترین اوصیا هستیم».

 همگان می دانیم که خدا جسم نیست. منظور از زیارت حضور رحمت الهی و توجه خاص او بر قبر مطهر امام حسین علیه السلام است. علامه مجلسی رحمه الله فرموده ‌اند که بیان زیارت الله تعالی کنایه است از انزال رحمات خاصه بر بر زائران آن حضرت است، مانند آنکه خدای عزوجل و ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه وآله صلوات می ‌فرستند. پس همانگونه که صلوات خداوند، همان رحمات و برکات او است، حضور خدا در کربلا برای زیارت امام حسین علیه السلام به معنای نظر لطف و رحمت ذات باری تعالی به آن مکان و زائران آن امام علیه السلام است.

روایات دیگری نیز وجود دارد که هر شب جمعه، خدای عزوجل همراه با ملائکه، پیامبران، اوصیا و اولیای الهی به زیارت امام حسین علیه السلام می ‌آیند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، افضل انبیا، جد بزرگوار امام حسین علیه السلام، هر شب جمعه به زیارت ایشان مشرف می‌ شوند. حضرت صادق علیه السلام فرموده ‌اند که ما ائمه، افضل اوصیا، نیز هر شب جمعه به زیارت امام حسین علیه السلام می ‌آییم.

در ادامه این روایت صفوان جمال از حضرت صادق علیه السلام سوال می کند: «جعلت فداك فنزوره في كل جمعة حتى ندرك زيارة الرب؟ فدایتان شوم، پس ما امام حسین علیه السلام را در هر شب جمعه زیارت می کنیم تا زیارت خدا را درک کنیم؟».

حضرت فرمودند: «نعم یا صفوان؛ آری، ای صفوان».

حال چنین مطلبی آیا درخصوص پیامبر صلی الله علیه وآله یا امیرمؤمنان علیه السلام و یا حضرت زهرا سلام الله علیها و امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است؟! بنده به چنین روایت هایی بر نخورده ام.

**ندبه جنیان در صحرا و کوهستان‌ ها برای امام حسین علیه السلام**

خدای عزوجل برای امام حسین علیه السلام فضیلتی ویژه قرار داده است؛ اینکه جنّیان و عواری زمین، در تمامی سهول (دشت‌ ها) و اوعار (کوه‌ ها و ارتفاعات)، برای امام حسین علیه السلام ندبه می‌ کنند.

**معنای ندبه و عظمت آن**

در زبان عربی، ندبه به معنای گریه نیست، بلکه به معنای گریه همراه با فریاد و داد زدن است، یعنی حالتی بسیار شدید و آتشین از طلب کمک و اظهار حزن و اندوه.

حضرت باقر علیه السلام به حضرت صادق علیه السلام فرمودند که پس از آن حضرت به مدت ده سال در منا، زن‌ ها (نوادب) برای ایشان ندبه و گریه کنند[[11]](#footnote-11).
«نوادب» جمع مونث است که به زنانی گفته می ‌شود که با صدای بلند و ترکیب صداها به ندبه می ‌پردازند.

صدای زن در ندبه نباید به گونه ‌ای باشد که موجب تحریک شهوت گردد، در این صورت نه برای زنان ندبه کردن اشکالی دارد و نه برای مرادنی که صدای آنان را می شنوند. اجماع فقهای اسلام بر این مسئله است و اگر مخالفی داشته باشد نادر است. قرآن کریم خطاب به زنان فرموده است که صدایتان را نازک نکنید تا موجب شهوت نشود، وإلّا صدای زن به طور کلی عورت نیست.

**ندبه جنیان برای امام حسین علیه السلام**

اما نکته بسیار شگفت ‌انگیز این است که جنّیان در کل کره زمین، در سهول و کوه‌ ها برای امام حسین علیه السلام ندبه می ‌کنند[[12]](#footnote-12).

روایتی درباره ندبه جن برای پیامبر صلی الله علیه وآله یا امیرمؤمنان علیه السلام یا حضرت زهرا سلام الله علیها و امام حسن مجتبی علیه السلام مشاهده نکرده ‌ام.

این فضیلت نیز از خصائص بی ‌نظیر امام حسین علیه السلام است که حتی برای دیگر بزرگواران اهل بیت علیهم السلام که از نظر فضیلت کمتر نیستند، نقل نشده است.

**فضیلت خون مطهر امام حسین علیه السلام و کرامت شگفت ‌انگیز آن**

علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» جلد ۴۵ چنین نقل می ‌کند:
روایتی از طریق اهل بیت علیهم السلام آمده است درباره مردی یهودی که دختری داشت بیمار و فلج، چشمانش نابینا و بدنش ناتوان بود، وضع او بسیار وخیم و در حال احتضار بود.

روزی کبوتر کوچکی که بال‌ هایش را به خون مقدس امام حسین علیه السلام آغشته کرده بود، پرواز کرد و قطره‌ ای از این خون پاک بر آن دختر افتاد. دختر به طور کامل شفا یافت و بهبود یافت. پدر دختر که شاهد این معجزه بود، با پانصد نفر از یهودیان همراه شد و همه مسلمان و شیعه شدند.

این داستان را علامه مجلسی به نقل از حضرت صادق علیه السلام و در حضور هشام آورده است. هشام که از شنیدن این قصه غضبناک شد قصد برخورد با حضرت باقر علیه السلام را داشت و از حضرت خواست این قصه را جایی نقل نکند، اما حضرت باقر علیه السلام آن را نقل کردند.

آیا چنین معجزه‌ ای درباره خون مطهر پیامبر صلی الله علیه وآله، امیرمؤمنان علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها یا امام حسن مجتبی علیه السلام دیده شده است؟ هرگز چنین فضیلتی و کرامتی برای هیچ ‌یک از ایشان نقل نشده است.

خدای عزوجل امام حسین علیه السلام را به عنوان پنجمین بشر از جهت فضیلت قرار داده است، اما خصائص ویژه ‌ای برای ایشان مقرر داشته است که هیچ یک از معصومان علیهم السلام دیگر ندارند.

**رنگ سرخ آسمان ‌ها در شهادت سیدالشهدا علیه السلام**

همچنین نقل شده است که در وقت شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام تمامی افق‌ ها و گستره ‌های آسمان به رنگ سرخ درآمد: «احمرت آفاق السماء[[13]](#footnote-13)؛ به خاطر شهادتش افق آسمان در غروب و سحر سرخ گرديد». این خون مقدس امام حسین علیه السلام است که سراسر زمین و آسمان را فرا گرفته است. چنین روایتی برای پیامبر صلی الله علیه وآله و یا امیرمؤمنان علیه السلام نقل نشده است. در آن لحظه ‌ای که خون امام حسین علیه السلام به زمین ریخت، نه تنها از آسمان خون بارید، بلکه در ماه رمضان گل ‌ها به خاکستر تبدیل شدند. این وقایع عظیم مخصوص شهادت امام حسین علیه السلام است و جای تأمل و تعمق بسیار دارد.

**جایگاه و منزلت بی ‌نظیر امام حسین علیه السلام نزد اهل بیت علیهم السلام و انبیا**

خدای عزوجل با حضرت سیدالشهدا علیه السلام چنین پیمان و معامله‌ ای داشته است که هر شب جمعه پیامبر صلی الله علیه وآله و امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه اطهار علیهم السلام به زیارت ایشان مشرف می‌ شوند. این حقیقت نشان از مقام و جایگاهی دارد که تنها مخصوص امام حسین علیه السلام است و در روایات متعدد به آن تصریح شده است.

**توصیه عملی به پیروان امام حسین علیه السلام**

با درک این عظمت و جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام، ما شیعیان باید بیش از پیش خود را وقف عشق، خدمت و پیروی از حضرت ایشان کنیم و به زیارت و دعا و توسل به آن حضرت اهتمام ویژه داشته باشیم تا از برکات این ارتباط مقدس بهره‌ مند شویم.

اگر در پی بهروزی دنیا و آخرت خود هستیم، کافی است تأمل کنیم و ببینیم سال گذشته هریک از ما برای امام حسین علیه السلام چه کرده است. امسال باید بکوشیم که بیش از سال پیش به این مسیر نورانی اهتمام بورزیم و اگر پولی داده ‌ایم، امسال آن را افزون کنیم و یا اگر در عزاداری شرکت کرده ‌ایم، مشارکت خود را گسترده‌ تر سازیم یا اگر در مواکب خدمت کرده ‌ایم، تلاش خود را مضاعف کنیم یا اگر دیگران را به عزاداری دعوت کرده ‌ایم، این دعوت را پررنگ ‌تر کنیم یا اگر توانسته ‌ایم پولی جمع‌ آوری کنیم، برای آن بیشتر تلاش کنیم و حتی اگر نیاز باشد قرض کنیم.

**ترغیب به عمل برای کاهش حسرت آخرت**

پس بکوشیم که در آخرت پشیمان نباشیم، چراکه آخرت «یوم الحسره[[14]](#footnote-14)» است و هرچه بیشتر برای امام حسین علیه السلام در این دنیا فعالیت کنیم، حسرت ما کمتر خواهد بود.

پس شایسته استدر هر زمینه ‌ای که توانایی داریم، خواه زبان باشد، قلم باشد، موضع‌ گیری باشد یا تشویق دیگران، باید تلاش کنیم که محبت و خدمت به امام حسین علیه السلام را افزون کنیم.

**حکایت مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء رضوان الله علیه**

مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء رضوان الله علیه از مراجع تقلید بزرگ و خدمتگزاران اهل بیت علیهم السلام بود. ایشان در صحن امیرمؤمنان علیه السلام نماز جماعت اقامه می ‌کردند و در ایام زیارت به کربلای معلی مشرف می ‌شدند و در صحن امام حسین علیه السلام نیز نماز جماعت برگزار می ‌کردند.

نقل شده است که یکی از کشیشان بغداد به ایشان گفته بود شما شیعیان امام حسین علیه السلام را دارید، اما بلد نیستید از این گنجینه بزرگ به‌ خوبی بهره ببرید. اگر امام حسین علیه السلام متعلق به ما مسیحیان بود، حتی یک وجب از کره زمین را بدون ذکر نام امام حسین علیه السلام رها نمی‌ کردیم.

چه راست گفته باشد یا نه، این سخن بر عظمت و جایگاه امام حسین علیه السلام دلالت دارد؛ امام حسین علیه السلام متعلق به همه بشر و تاریخ است و هرکسی باید بداند که چه گنجی در اختیار دارد.

**لزوم افزایش تلاش و تقویت معرفت نسبت به امام حسین علیه السلام**

هریک از ما باید در ارزیابی سال گذشته خود، ببینیم که چه اقدامی برای امام حسین علیه السلام کرده ‌ایم و اگر منبر رفته ‌ایم، سعی کنیم منبرهای خود را بهتر و مفصل ‌تر کنیم و اگر مطالعه کرده ‌ایم، بیشتر بیاموزیم و معرفت خود را گسترش دهیم و اگر امکاناتی داریم، با استفاده از تکنولوژی‌ های جدید و دستگاه‌ های نوین، مطالب و معارف امام حسین علیه السلام را آسان ‌تر جمع ‌آوری و منتقل کنیم.

در این دو ماه باعظمت، به ‌خصوص در روزهای عاشورا و اربعین، بکوشیم که هریک نسبت به سال قبل، خدمات و عشق خود به امام حسین علیه السلام را افزون کنیم. این تلاش برای دنیا و آخرت ما بسیار مفید و ثمربخش خواهد بود.

امید است که خدای عزوجل عنایت خاص خود را شامل حال ما سازد و خود امام حسین علیه السلام نیز با رأفت و لطف خاصشان، ما را یاری کنند تا در مسیر محبت و خدمت به آن حضرت، موفق ‌تر و پایدارتر باشیم. این دعا و توسل را برای همه مردان و زنان خواستارم، به ویژه آنان که صدای مرا می ‌شنوند.

وصلی الله علی سیدنا و نبیا محمد وآله الطاهرین

1. . **بحار الأنوار:  ۴۵:۴.** [↑](#footnote-ref-1)
2. .کهف:29. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بحار الأنوار :۵۳:۱. [↑](#footnote-ref-3)
4. .اسراء:1. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بحار الأنوار :۵۴: ۲۰۲. [↑](#footnote-ref-5)
6. . المناقب :۴ :۸۲. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. .آل عمران:97. [↑](#footnote-ref-8)
9. . عیون اخبار الرضا:۲: ٢٦٨. [↑](#footnote-ref-9)
10. . بحار الانوار:98: 60. [↑](#footnote-ref-10)
11. . الاصول من الکافی:۵:۱۱۷: ۱. [↑](#footnote-ref-11)
12. .  کامل الزيارات: 191: 270. [↑](#footnote-ref-12)
13. . بحار الأنوار:۴۵ :۸۸. [↑](#footnote-ref-13)
14. .مریم: 39. [↑](#footnote-ref-14)